

## شناخت جهان متن به عنوان پایه نقد ادبی

مریم رامین نیا\*

در نقد ادبی نوین، ساز و کارهای سنتی تحلیل اثر ادبی از چشم اندازه‌های قصد و نیت مؤلف و معنادگی اثر که در آن به شیوه‌های انتقال معنی و جستجوی مسائل زندگی نامه‌ای و بستر اجتماعی تولید اثر می‌پرداخت، دیگر مرسوم و مورد توجه نیست. از این رو پرداختن به زمینه‌های بیرونی اثر جای خود را به تحلیل درونی اثر، صرف نظر از پدیدآورنده و دیگر آبشخورهای ضمنی آن داده است. در این رویکرد که نقد نو امریکایی، فرمالیسم و ساخت‌گرایی، بنیان‌گذاران و مدافعان آن به شمار می‌رود عنوان «اثر» به «متن» که همانا متناسب با خوانش جدید آثار ادبی ست، تغییر نام می‌دهد. به زعم بارت، عنوان اثر متضمن نوعی پیش‌انگاشت درباره مؤلف و معناست؛ آنچه از سوی مؤلف به معرفی و نمایش گذارده می‌شود و می‌توان آن را در کتاب فروشی‌ها، قفسه‌های کتابخانه‌ها و... یافت. در حالیکه متن به نمایش گذاشته نمی‌شود بلکه نشان داده می‌شود؛ در واقع متن از خود کشف حجاب می‌کند و از این رو مستقر در زبان است که پیوسته در حال شدن<sup>۱</sup> است.

بارت در «از اثر به متن»<sup>۲</sup> خاطر نشان می‌کند که منطق حاکم بر متن، تبیین معنای اثر

---

\* استادیار دانشگاه گنبد کاووس

1. incoming  
2. from work to text

نمی‌تواند باشد؛ چرا که این نگرش، متن را به گونه‌ای نامستقل در ورطه‌ای از مناسبات برون‌متنی قرار می‌دهد. تأکید بارت بر استقلال متن و شناخت ساز و کارهای درونی آن، شناخت جهان متن را پیش می‌کشد؛ آنچه نظریه‌های گوناگون پیرامونش شکل گرفته که هرکدام از چشم اندازه‌های خاصی به متن و نظام دلالتی آن می‌پردازد. در این راستا نشانه‌شناسی، ساختارگرایی، شالوده‌شکنی، بوطیقایی‌شناختی و آراء باختین در نحوه نگرش و خوانش متن، چشم اندازه‌های نوینی فراروی نقد ادبی و شناخت جهان متن می‌گشاید که در همه آنها کم و بیش جهان متن پایه و نقطه کانونی نقد به شمار می‌رود.

### نشانه‌شناسی و جهان متن

سرچشمه این مفهوم از آرای جان لاک گرفته شده است. وی این واژه را دانش نشانه‌ها و مطالعه ماهیت نشانه‌هایی که ذهن برای درک پدیده‌ها به کار می‌برد یا برای انتقال دانش خود به دیگران مورد استفاده قرار می‌دهد، معرفی کرده است.<sup>۱</sup> با این حال مفهوم نشانه‌شناسی به طور اخص آنچه نظام‌های دلالتی متن را مورد کاوش قرار می‌دهد، با آراء سوسور و پیرس پیوند می‌خورد. سوسور نشانه‌شناسی را دانش عمومی مطالعه نشانه‌ها می‌دانست و معتقد بود گرچه این دانش هنوز موجودیت نیافته است اما شکل‌گیری آن قطعی است و پیش‌بینی می‌کرد که در آینده زبان‌شناسی شاخه‌ای از دانش نشانه‌شناسی خواهد بود. گرچه نشانه‌شناسی آنگونه که سوسور پیش‌بینی می‌کرد به عنوان دانشی مستقل که زبان‌شناسی را در درون خود می‌پروراند، تلقی نشد، لیکن رهیافت او در انگاشت اثر ادبی به مثابه نظامی از نشانه‌ها که قاعده‌های دلالتی خود را داراست، در دگردیسی اثر به متن و تغییر زاویه نگرش منتقد بدان، بسیار حائز اهمیت بود. چرا که در این رویکرد تازه، منتقد بدون در نظر گرفتن انگیزه‌های خود و انگیزش‌های مؤلف در آفرینش اثر خود به تفکر و بررسی ساختارهای دال و مدلولی آن می‌پردازد. در این چشم‌انداز، نشانه‌شناسی به تفسیر اثر و میزان معنادگی آن نمی‌پردازد، بلکه تلاش در کشف قراردادهایی دارد که به تولید معنا می‌انجامد. در نشانه‌شناسی ادبی، «هدف ایجاد بوطیقایی برای ادبیات است که همچون زبان‌شناسی برای زبان عمل می‌کند. همانطور که

---

۱. صفوی، کوروش، زبان‌شناسی و ادبیات، چ سوم، تهران، هرمس، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸